

نقش «امداد غیبی» در میدان

علیرضا وکیل‌ی‌ا در دانشکده‌های نظامی جهان، همه چیز برپایه محاسبات ریاضی، تعداد کلاهک‌های جنگی و برد رادارهای پیشرفته، تحلیل می‌شود. اما در منطق دفاعی ما، مؤلفه‌ای وجود دارد که هیچ ماهواره جاسوسی یا ابرکامپیوتر غربی، قادر به رصد و پیش‌بینی آن نیست. نگاه توحیدی به ما می‌آموزد که میدان نبرد، تنها عرصه برخورد فلز و آتش نیست، بلکه در پس این پرده مادی، اراده‌هایی در جریان است که می‌تواند تمام معادلات روی کاغذ را به هم بریزد. وقتی ملتی از ابزارهای مادی خود بهره می‌گیرد اما به آن‌ها تکیه نمی‌کند، در پیچه‌هایی از نصرت به رویش گشوده می‌شود که ماشین جنگی دشمن در برابر آن ناتوان است.

قرآن کریم در سوره مبارک آل عمران، از یک پشتیبانی ویژه برای مدافعان مقتدر سخن می‌گوید: «تِلْكَ اِیْنُ تَنْصُرُوْا وَتَنْقُوْا وَیَنْصُرُکُمْ مِنْ قُوْرِهِمْ هٰذَا لِیُذِکَّکُمْ رَبُّکُمْ بِمُغْشَهِ الْاَیِّ مِنْ الْفَلَاکِہِ مُشَوِّمِیْنَ»؛ اری، اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را با ۵۷ هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد.

این آیه، صورت‌بندی ریاضی «امداد غیبی» است. خداوند پیروزی را نه صرفاً به تجهیزات، بلکه به دو شرط راهبردی گره زده است: «صبر» و «تقوا». صبر به معنای استقامت حرفه‌ای و عقب‌نشینی نکردن در برابر فشارهای خردکننده و تقوا به معنای حرکت در مدار حق و آلوده نشدن به محاسبات شرک‌آلود. طبق این وعده صادق، لشکریان آسمان در لحظات بحرانی به یاری نیروهای مسلح می‌آیند تا ضعف‌های مادی را جبران و دل‌های مدافعان را قرض کنند. این همان نقطه‌کوری است که نژال‌های مادی‌گرا در تحلیل شکست‌های بیابایی خود از نیروهای مقاومت، هرگز درک نمی‌کنند. فرماندهی آسمان، زمانی فعال می‌شود که بن‌بست‌های زمین به اوج خود برسد. امداد غیبی به معنای دست‌روی دست گذاشتن نیست، بلکه یاداش ایستادگی در لبه پرتگاه است. ۵۷ هزار فرشته نشان‌دار، استعاره‌ای از قدرت بی‌پایانی است که پشتوانه هر قدم خالصانه قراری می‌گیرد. ما در سال‌های اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که چگونه فناوری‌های فوق پیشرفته دشمن در برابر اراده‌های ساده اما مؤمنانه، زمین‌گیر شده‌اند. این پیروزی‌ها نه تصادف، بلکه نتیجه مداخله همان «ملائکة مسومین» در میدان است. و این را در موضوع شن‌های طیس در گذشته و بیابان‌های اصفهان به وضوح دیدیم که چگونه خداوند به یاری مؤمنان می‌آید و دشمنان را درهم می‌کوبد.

سپاه غیب، مددکار حق پرستان است
که موج بحر، نهیبش برای خاشاک است

دین، یعنی از حرام گذشتن

همیشه فکر می‌کردم دین‌داری یعنی فقط برپایی نماز و روزه و ذکر گفتن. اما امروز فهمیدم که یکی از اصل‌های دین‌داری، «گذشتن» است، عبور کردن از چیزی که تمام وجودت فریاد می‌زند: «حق توست، پرو و بگیر!». مولا فرمود: «مِنَ الدِّیْنِ التَّجَاوُزُ عَنِ الْحَرَامِ»؛ دین، یعنی از حرام گذشتن. «چه زبیا و چه هولناک! گذشتن از حرام فقط پشت کردن به یک بطری شراب یا یک نگاه آلوده نیست. گذشتن از حرام، گاهی یعنی اینکه از سهم‌الارثی که شرعاً و قانوناً مال تو نیست و به‌خاطر حفظ پیوندی که از شیر مادر جاری‌تر است، چشم‌پوشی.

و بعد آن جمله دیگر مولا^ع را مرور کردم: «مَلَکَ الدِّیْنِ مُخَالَفَةُ الْهَوَیْ» معیار دین: مخالفت با هوای نفس است.» هوای نفس فقط شهوت و شکم‌پرستی نیست. هوای نفس، همان صداایی است که در گوشت می‌گوید: «مگر حق تو نیست؟ چرا کوتا‌ه بیایی؟». هوای نفس یعنی «من» را دیدن و «ما» را فراموش کردن. آن‌هایی که گاهی می‌بینیم، آدم‌هایی که هرکدام اسیر هوای نفس خویش، هرکدام برده سند و متراژ و عیار طلا هستند. اما قله دین‌داری کجاست؟ مولا در کلامی دیگر خط را نشان می‌دهد: «مَنْ تَأَذَّرَ لِیْ مَظَاهِیِ اللّٰهِ وَتَأَخَّرَ عَنْ مَعَاصِیِہِ فَقَدْ اَکْمَلَ الطَّاعَةَ»؛ این «شتاب» و این «تاخیر» را باید با گοشت و پوست فهمید. یعنی در میدان ارث، قبل از آنکه شمشیر طمع را بکشی، به‌سوی رضای او بشتابی. شتافتن به‌سوی رضای او یعنی چه؟ یعنی وقتی برادرت در برابر تو ایستاده است، تو به یاد خنده‌های کودکی‌تان، اشک بریزی و عقب‌بکشی. تا‌خر از معصیت، یعنی عقب‌نشینی تاکتیکی از جنگ زر و زور، امروز دیدم که کامل کردن طاعت، کار آسانی نیست. باید از آنچه «حق مسلمت» می‌نامندش، به‌خاطر خدا بگذری تا طاعتت کامل شود.

امروز یاد گرفتم که ترک گناه، گاهی در سکوت است در اوج دادخواهی، گاهی بخشش است در اوج محق بودن و گاهی سوختن است، اما دست برنداشتن از دامان خانواده. این است آن دین‌داری‌ای که مولا می‌گفت. دین‌داری یعنی آدم باشی، آنجا که پول، تو را به‌گرگ تبدیل می‌کند.

خورشیدی در پشت ابر سیاست

سال‌ها روایت غالب این بود: «او یک سیاستمدار است، نه یک مرجع علمی.» این جمله را آن قدر تکرار کردند که حتی برخی از اهل علم هم در بدیش و جه فقاهتی مردی که ردای رهبری بر دوش داشت، دچار تردید شدند؛ غافل از اینکه سیاست، تنها گوشه‌ای از آن اقیانوس عمیق بود و فقا‌هت، خود اقیانوس.

حالا کتاب «در فقا‌هت» آمده است تا با سندی محکم، غبار این سال‌ها روایت مغرضانه را بتکاند. این کتاب یک پژوهش خشک حوزوی نیست، بلکه یک «مستند فقا‌هت» است برای کسانی که می‌خواهند بدانند چرا به اعلمیت شهید آیت‌الله‌العظمی امام‌خامنه‌ای (قدس سره) باید گردن نهاد. در این اثر ۴۷۴ صفحه‌ای، بیش از ۱۵۰ چهره شاخص از مراجع تقلید، فقه‌ا، مجتهدان و مشاهیر جهان اسلام حضور دارند و اعلمیت ایشان را گوا‌هی می‌دهند. نکته‌هوشمندانه و جذاب کتاب، تقسیم‌بندی جغرافیایی علما و کد‌های کیوار اختصاصی در کنار نام هر شخصیت است. با یک اسکن ساده می‌شود بی‌واسطه به صفحه اختصاصی آن عالم شهید انقلاب متصل شد و دید که فقا‌هت ایشان، تا کجای دنیای اسلام نفوذ داشته است.

«در فقا‌هت»، یک پاسخ دندان‌شکن است به همه آن‌هایی که دوست ندارند اعلم مراجع را بشناسیم. این کتاب برای سه گروه، حکم یک تکلیف شرعی را دارد: طلبه‌ای که در پی حقیقت علمی است، مقلدی که در بقای بر تقلید از مرجع شهیدش، مردد مانده است و هر انسان جست‌وجوگری که نمی‌خواهد فریب برجسب‌های رسانه‌ای را بخورد. حقیقت تلخ، این است که خیلی‌ها نمی‌خواستند شما بدانید پشت آن ابر سیاست، چه خورشیدی از علم و فقا‌هت پنهان شده است. اما حالا، «در فقا‌هت» آمده است تا این خورشید را بی‌پرده نشانان دهد.



قطب‌نمای عبور از بحران‌ها

در دنیای پرشتاب امروز که بحران‌ها، چه فردی و چه از جنس اقتصادی، نظامی و نیز سیاسی و فرهنگی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما تبدیل شده است، واژه‌هایی همچون تاب‌آوری، صبر و مقاومت، نه تنها برای بقا و تعالی‌اند، در دکانون معارف اسلامی به‌ویژه قرآن دارای ریشه‌های بنیادین و کاربردی هستند و می‌توانند نقش قطب‌نما را برای ما در مواجهه با سختی‌ها و عبور آرام و ایمن از آن‌ها ایفا کنند.

پادزهر اضطراب و ناامیدی

قرآن همیشه دریچه‌ای از امید را برای انسان باز گذاشته است و در آیات متعدد و می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ این تخمین و حدس نیست، بلکه یک قانون قطعی الهی است. این اطمینان قلبی و اعتماد به وعده الهی، سختی‌ها را به موفقیت و پیروزی تبدیل می‌کند. صبر قرآنی یک دارو و پادزهر مهم برای اضطراب و ناامیدی در بحران‌ها و یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده موعود الهی است. لذا در هر بحران اگر توکل مطلق و تلاش حداکثری داشته باشیم و یقین بدانیم که این سختی‌ها مقدمه‌ای برای آسایش و راحتی فرداست، دیگر مقاومت یک شعار نخواهد بود، بلکه به سلوک رفتاری تبدیل می‌شود؛ چنان‌که در همه ۴۷ سال بعد از انقلاب، از تحریم‌ها، جنگ‌ها و فتنه‌ها، با صبوری متکی به ایمان و توکل، عبور کرده‌ایم.



صبر، یک کنش فعال و جهادی است

در مواجهه با جنگ نابرابر و ناعادلانه و چندبعدی که از دو ماه قبل به ما تحمیل شده است، باید بدانیم که صبر از عناصر حیاتی است. در قرآن کریم، تاب‌آوری و تحمل سختی‌ها و بحران‌ها تقریباً در سیره تمام پیامبران و قصص انبیا ذکر شده است و جایگاه خاصی نیز در روایات معصومین^ع دارد. تکرار واژه صبر و مشتقات آن، گواه بر این مطلب است. قرآن کریم، مفهوم صبر را بسیار فراتر از انفعال و تحمل صرف تعریف می‌کند. اگر چه صبر در ریشه لغوی به معنای مقاومت است اما در نگاه قرآن، یک کنش فعال و جهادی است و از سه زاویه به آن می‌پردازد: صبر بر طاعت یعنی مقاومت در انجام وظایف و عبادات تکلیفی؛ مثل صبر بر روزه گرفتن در روزهای گرم و بلند تابستان.

پشتوانه صبر و مقاومت، ایمان است

در منظومه فکری قرآن کریم، منبع و ریشه صبر و مقاومت، به معنای بازگشت به حالت تعادل بعد از بحران و شوک، «ایمان» است. کسی که ایمان حقیقی دارد، بحران را نه پایان راه بلکه یک مرحله از آن می‌داند. امروز که با یک جنگ چندبعدی مواجه هستیم، باید بدانیم که قرآن بحران‌ها را عامل تصفیه‌کننده می‌داند تا طیب از خبیث (خوب و بد) جدا شود. لذا بحران فرصت جداسازی عناصر سست و متزلزل در وجود انسان است که ایمان را تضعیف می‌کند. کسی که این تصفیه را تجربه می‌کند، با سختی، آبدیده و ساخته می‌شود. با این نگاه، صبر و مقاومت، ما را می‌سازد و توانمندی‌هایمان را به روز می‌کند.



صبر کن تا «یُسْر» از دلِ «عُسْر» سر بر آورد

صبرِ فعال، امیدِ پایدار

آئنه مستقیمی! اگر چه مقاومت در ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی قابلیت بررسی‌های عمیق را دارد. اما آنچه به این مفهوم ارزش افزوده می‌دهد و آن را به سلاحی ترسناک و کشنده برای دشمن تبدیل می‌کند، پشتوانه قرآنی آن است: راهی که قرآن و آموزه‌های دینی در این باره پیش پای ما گذاشته‌اند، همان رمز پیروزی ما برای قرن‌ها و به زانو درآوردن دشمنان در طول تاریخ بوده است. در بررسی این پشتوانه قرآنی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جواد معین، پژوهشگر، مدرس حوزه و دانشگاه، گفت‌وگو کرده‌ایم.



ابتلا، سنت الهی است

دومین نوع صبر که قرآن بر آن تأکید دارد، صبر بر معصیت است، یعنی خودداری از گناهان حتی در اوج وسوسه‌ها و وجود شرایط برای ارتکاب و سوم، صبر بر مصیبت است؛ یعنی ایستادگی و حفظ آرامش در فقدان‌ها و بحران‌ها و سختی‌هایی مثل جنگ که امروز با آن مواجه هستیم. قرآن کریم تأکید می‌کند آزمایش و ابتلا، قانون تخلص‌ناپذیر الهی است؛ چنان‌که قرآن کریم در آیه ۱۵۵ سوره مبارک بقره می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِیْنَ: و بی‌تردید شما را به چیزی آندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [بنیاتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم و صبرکنندگان را بشارت ده!»؛ اینجاست که صبر از فضیلتی اخلاقی به استراتژی بقای معنوی تبدیل می‌شود.

صبر به توکل نیاز دارد

صبر بدون تکیه‌گاه و پشتوانه ایمان به استیصال ختم می‌شود. قرآن کریم دو رکن اساسی را در کنار صبر برای استقامت در بحران‌ها توصیه می‌کند: یکی توکل و دیگری امید به رحمت الهی؛ توکل در قرآن به معنای دست کشیدن از کار و تلاش و دست گذاشتن روی دست نیست، بلکه انجام حداکثری وظایف و سپردن نتیجه به خدای متعال است. روایات بسیاری درباره صبر داریم که از آن به نیکی از ایمان تعبیر شده است و توکل را تکیه‌گاه انسان معرفی می‌کند که روحیه مقاومت و ایستادگی را در انسان به اوج می‌رساند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر معین،
باید بدانیم که صبر از عناصر حیاتی است. در قرآن کریم، تاب‌آوری و تحمل سختی‌ها و بحران‌ها تقریباً در سیره تمام پیامبران و قصص انبیا ذکر شده است و جایگاه خاصی نیز در روایات معصومین^ع دارد

مادری از قافله رنج، پسری تا کرانه‌های نور



و نامش در شرق و غرب عالم به عنوان مرجعی علمی و معنوی بر سر زبان‌ها افتاد. جریان‌های فکری غیراسلامی که با غرور و پشتوانه تمدن یونانی یا به میدان گذاشته بودند، در برابر منطق قرآن محو و عقل‌گرایی امام، واماندند و عقب‌نستند. این نقطه عطف در تاریخ فکری جهان اسلام، امروز نیز جاری است. اگر روزی مدینه و سپس مرو، کانون این درخشش بودند، امروز مشهد الرضا همان مرکزیت را باز یافته است. حرم مطهر رضوی نه صرفاً یک مکان عبادی، که قلب تپنده یک تمدن فکری است؛ کانونی که جهان اسلام همچنان چشم به پراکندش دوخته است و در جبهه فرهنگی معاصر، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. وقتی زائری از دورترین نقاط زمین به سوی این بارگاه می‌شتابد، درحقیقت پاره‌ای از وجود پیامبر^ص را زیارت می‌کند و از آن چشمه جوشان حکمت، جرعه‌ای برمی‌گیرد.

برگرفته از خطبه‌ای نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

شوم آن بود که اندیشه‌های غیراسلامی را جایگزین تفکر ناهل بیت^ع کنند و ذهن جوانان مسلمان را از سرچشمه وحی دور سازند. جهان اسلام در آستانه یک استحاله فرهنگی خرنده قرار گرفته بود؛ استحاله‌ای که اگر محقق می‌شد، هویت فکری امت را برای همیشه دگرگون می‌کرد. درست در همین بزنگاه تاریخی، امام‌رضا^ع چون کوهی استوار در برابر این جریان ایستاد، حکومت وقت که شاید به قصد به چالش کشیدن یا حتی تحقیر، مجالس مناظره و گفت‌وگوی آزاد را با حضور سران ادیان و مذاهب مختلف ترتیب می‌داد، ناخواسته میدانی فراهم آورد تا فرزند پیامبر^ص علم خویش را به رخ جهانیان بکشد. امام^ع در این مناظرات، با منطقی استوار و دانشی بی‌کران، نه تنها اندیشه‌های وارداتی را به چالش کشید، بلکه توانست جایگاه علمی و معرفتی اسلام ناب را تثبیت کند. اینجا بود که میراث‌گران پهلای پدران‌ش به اوج رسید و از حصار جغرافیای اسلامی گذر کرد. شهرت آن حضرت، چنان فراگیر شد که مسلمان و غیرمسلمان، «اورا» عالم آل محمد^ص خواندند

در همان لحظات خریداری، به فرستاده امام اشارت کرد که از نسل او فرزندی خواهد آمد که آیینش سراسر گیتی را درمی‌نوردد و شرق و غرب زمین به او وابسته می‌شوند. این سخن، پیشگویی مادری نبود که در تب و تاب رؤیاهای مادرانه، غوطه‌ور باشد، بلکه نویدی از جنس علم الهی بود که در جان‌ش جاری شده بود. سال ۱۴۸ قمری، هم‌زمان با سال شهادت امام‌صادق^ع، این موعود چشم به جهان گشود تا تدبیر حکمت‌آمیز پروردگار آشکار شود؛ اندیشه و برگتی که امام‌صادق^ع در جهان اسلام گسترانده بود، اینک در وجود امام هشتم^ع تثبیت می‌شد و پا را از مرزها فراتر می‌نهاد.

آن روزگار، دوران تلاقی تمدن‌ها و جنگ نرم اندیشه‌ها بود. پس از شکوفایی علمی اهل بیت^ع به دست امام باقر^ع و امام‌صادق^ع، جریان‌های قدرت که نفوذ فکری آن خاندان را تاب نمی‌آوردند، به حربه‌ای تازه متوسل شدند؛ سیل کتاب‌های فلسفی یونان که با ترجمه‌هایی فاخر و پرهزینه روی کاغذ‌های ضخیم آراسته شده بود، به جهان اسلام سرازیر شد. نقشه

در پس هر اختر تابناک آسمان امامت، زنی پاک سرشت ایستاده است که روح بلندش، ظرف آن نور الهی شده است. حکایت نجمه خاتون، مادر گرامی امام‌رضا^ع، از آن دست سرنوشت‌های شگفتی است که پیش از تولد فرزندش، راز تمدن‌ساز او را در دل تاریخ رمز نه می‌کرد. این بانوی جلیل‌القدر که با تولدش در ماه ذی‌القعدة، ماه سلامت و برکت، ماه شرافت مضاعف آن شد، روزگاری در چنگال سوداگرانی گرفتار بود که جز به بدن رنجور او، به هیچ چیز نمی‌اندیشیدند. اما تقدیر چنان رقم خورد که امام‌کاظم^ع با نگاهی ملکوتی، یکی از یاران خویش را مأمور خرید این بانوی بیمار و ناتوان ساخت تا از دست بهره‌کشان، رهایی یابد. سخن امام در مواجهه با برده‌فروش، طنینی از آگاهی لدنی داشت: «چنین بانویی، شایسته نیست در اختیار مردمان عادی باشد، بلکه باید در خانه برترین فرد روی زمین جای گیرد.» گویی آن حضرت در عمق وجود این زن، نطفه نوری را می‌دید که قرار بود شرق و غرب عالم را از پرتو امامت، بهره‌مند سازد. نجمه خاتون خود به این حقیقت آگاه بود.